بسم ربّنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

حمد مقدّس از لفظ و بیان سلطان بیزوالی را لایق و سزاست که جمیع کتب و صحف و زبر و الواح عالم باسمش مزیّن و بثنایش ناطق و کل باین کلمهٴ محکمهٴ متقنهٴ جامعهٴ الهیّه که از افق قلم اعلی اشراق نموده مکلّف و مأمور سوف یظهر من لا یشار باشارة الکتب کلّها و شهد بذلک ما انزله الرّحمن فی البیان بقوله جلّ و عزّ و قد کتبت جوهرة فی ذکره و هو انّه لا یشار باشارتی و لا بما ذکر فی البیان هل من ذی سمع لیسمع ما نطق به العندلیب علی الأغصان و هل من ذی بصر یراه بعین الرّحمن قد اخبر کلّ نبیّ و کلّ رسول فی هذا الظّهور الأعظم بأنّه لا یعرف بدونه و لا بعین خلقه و این کلمهٴ مبارکه در جمیع کتب الهی مخصوص باین ظهور بوده و هست ولکن آذان را اشارات اهل فرقان و شبهات اهل بیان از اصغاء ندای رحمن منع نموده و ابصار را رمد ظنون و اوهام از مشاهدهٴ انوار آفتاب معانی محروم ساخته هل من سابح یسبح فی هذا البحر من غیر اشارة و هل من متوجّه یتوجّه الی الوجه من دون جهة این فوارس مضمار الحکمة و البیان الّذین ما منعتهم سبحات اهل الامکان عن التّوجّه الی اللّه مالک الأدیان هل من ذی شمّ یجد عرف القمیص فی ایّام اللّه منقطعاً عمّا سواه و هل من ذی استقامة یقوم و یقول ما انزله الرّحمن فی الفرقان و ما صاح به الصّائح فی ملکوت البیان الملک یومئذ للّه الفرد الواحد العزیز المنّان اوست ظاهر و اوست ناطق بشأنی که اشارات و سبحات اولی الجدال و الجلال او را از ما اراد منع ننمود بأعلی النّدآء اهل ملکوت انشاء را بافق اعلی دعوت فرمود بشأنی که از برای احدی از منصفین مجال اعراض و اعتراض نبوده و نیست هو الّذی باسمه نصبت الرّایات و ارتفعت الأعلام طوبی لقویّ ما منعه طنین الذّباب عن ربّ الأرباب قام علی خدمة مولاه و شهد بما شهد اللّه به و اعترف بما اعترف به اللّه انّه من اعلی الخلق لدی الحقّ یصلّینّ علیه کلّ عارف بصیر و کلّ عالم خبیر

 سبحانک یا اله الأسمآء و فاطر السّمآء تسمع حنین اصفیائک فی فراقک و انین اولیائک و احتراق قلوبهم فی ایّامک ای ربّ فاکتب لهم من قلم عطائک اجر لقائک و الّذین شربوا من کوثر وصالک ای ربّ اسألک بالاسم الأعظم الّذی اضطربت به افئدة الأمم بأن توفّق اهل البیان علی الاقبال الی افق ظهورک و العمل بما امروا به فی کتابک ای ربّ تراهم معرضین عن شطر عنایتک و متمسّکین بما تمسّک به اهل الفرقان فی ایّامک تعلم یا الهی بأنّهم یرون الآیات و ینکرونها و یتکلّمون بما تکلّم به اولو البغضآء و العناد عند ظهور مطالع وحیک و مظاهر نفسک و مصادر امرک و مشارق عرفانک قد احاطت الآیات کلّ الجهات و هم عنها معرضون و ظهرت البیّنات کالشّمس فی وسط الزّوال و هم لا یشعرون ای ربّ وفّقهم علی کسر اصنام الأوهام و الاقبال الیک یا مولی الأنام انت الّذی لا یعجزک شیء و لا یمنعک امر تفعل ما تشآء و تحکم ما ترید لا اله الّا انت المقتدر القدیر

 و بعد مکتوبی که آن جناب از بیروت ارسال نمودند رسید سبب فرح شد انشآءاللّه کل بفرح اعظم موفّق شوند یعنی بآنچه الیوم از افق عالم ظاهر و هویداست جمیع کتب الهی بذکر این یوم امنع اقدس ابدع ناطق ولکن کل محجوب مشاهده میشوند چه مقدار جمال قدم حمل شدائد فرمودند تا آنکه بعضی از حجبات جدال و سبحات جلال خرق شد حال مشاهده میشود جمعی از ناعقین و مغلّین و مریبین در صدد آنند که ناس را احجب از قبل نمایند هزار و دویست سنه و ازید فئهٴ فرقان یعنی حزب شیعه بکلماتی متکلّم بودند و خود را اعلی الخلق و فرقهٴ ناجیهٴ مرحومه میشمردند در ظهور امتحان اشقی از کل مشاهده شدند چنانچه محبوب امکان را برصاص غل و بغضا در ارض تاء شهید نمودند قسم بآفتاب افق بیان محتجبین اهل بیان حال بهمان کلمات و اشارات و شبهات و ظنون و اوهام متمسّک و ناطقند بگوئید ای بی‌بصران قدری تفکّر نمائید که حاصل آن همه جدالها چه بود و ثمرهٴ آن نزاعهای بیمعنی کدام وقتی این کلمات محکمات را از فم مشیّت مالک اسماء و صفات این خادم فانی استماع نمود قوله جلّ کبریائه

 این نادانان امکان اراده نموده‌اند خلق بدیع را بمثابهٴ خلق فرقان محتجب نمایند ای عبد حاضر ندای مظلوم را برسان که شاید محتجبین بیان بقطره‌ئی از بحر انصاف مرزوق شوند بگو امروز یوم اللّه است و لا یذکر فیه کلّ ما عندکم و عند الخلق اگرچه هنگام ظهور مظاهر احدیّه در عالم ملک لفظ یوم اللّه بر او صادق ولکن این ظهور اعظم در کلّ کتب بظهور کنز مخزون و غیب مکنون اختصاص یافته طوبی للمتفرّسین و طوبی للعارفین اینست آن روزی که میفرماید یوم یقوم النّاس لربّ العالمین و اینست آن یومی که میفرماید الملک یومئذ للّه کتب الهی مشحونست باین اذکار مع‌ذلک تازه بذکر نقبا و نجبا و امام و خلیفه و امثال آن تمسّک و تشبّث نموده‌اند بگو آیا این اذکار از قبل نبوده فأتوا بثمرها و اثرها لو انتم من القادرین بگو اتّقوا اللّه یا قوم و لا تجادلوا بآیات اللّه و عظمته و سلطانه و برهانه و حجّته و بیّناته ضعوا ما عندکم امراً من عندنا و خذوا ما نزّل من هذه السّمآء المقدّسة المرفوعة بگو در احزاب قبل تفکّر نمائید کلماتی را از قائلین اصغا نمودند و بحمیّت جاهلیّه بقسمی بآن تمسّک جستند که دون آن را نمیپذیرفتند و از اصغاء آن ابا مینمودند ای عبد حاضر للّه بگو که شاید الی اللّه توجّه نمایند نگویند آنچه را که از قبل گفته‌اند و عمل ننمایند آنچه را که از قبل خائنین و غافلین بآن عمل نموده‌اند بگو ای اهل بیان ندای مشفق امین را بشنوید و ضجیج ناصح کریم را اصغا نمائید این آیات بآیات قبل شبیه نبوده و نیست و این ظهور از جمیع ظهورات ممتاز للّه بشنوید و للّه انصاف دهید شما هیچ یک از مبدأ ظهور این امر مطّلع نبوده و نیستید فوالّذی ‌انطق الأشیآء بثنآء نفسه نفسی را که بسبب او از صراط مستقیم محروم مانده‌اید و از امّ الکتاب ناطق ممنوع قابل ذکر نبوده و نیست در آثارش از عربی و فارسی نظر نمائید و تفکّر کنید لعلّ تتّخذون لأنفسکم الی الحقّ سبیلا بشنوید پند این مظلوم را نعیق را بناعقین بگذارید و بحفیف سدرهٴ منتهی توجّه نمائید غدیر اوهام را باهل ظنون دهید و ببحر حیوان که امروز باسم رحمن ظاهر است بشتابید از عرصهٴ الفاظ بگذرید و از مضمار روایات فارغ و آزاد شوید امروز روز اباهر و خوافی نیست بقوادم انقطاع پرواز نمائید که شاید از هزیز اریاح انّه لا اله الّا هو استماع کنید از جداول و انهار چشم بردارید چه که بحر اعظم امام وجوه است از ناسوت و شئونات آن که سبب و علّت بغی و فحشا و ضغینه و بغضاست بگذرید و بر فراز ملکوت مقرّ گزینید ای اهل بیان لعمر الرّحمن کلّ حرف من الحروف ینطق بأعلی النّدآء بأنّنی انا مالک البیان لو انتم تسمعون ببصر حقیقی مشاهده کنید لعمر اللّه از هر کلمه‌ئی جوهر معانی جاری بگو امروز روز سمع و بصر است ببینید و بشنوید لعمر اللّه آنچه فوت شود ابداً بر تدارک آن قادر نبوده و نخواهید بود بر خود و بر عباد رحم کنید و سبب ضلالت و گمراهی نشوید شنیده را بگذارید و بآثار رجوع کنید تا قدرت حقّ و سلطنت حقّ و علوّ حقّ و سموّ حقّ و علم حقّ و احاطهٴ حقّ را بفهمید و ادراک نمائید این هوای ارقّ الطف را بانفاس آلودهٴ خود میالائید و انوار صبح یوم الهی را بغمام ظنون و اوهام ستر ننمائید ای اهل بیان ملکوت بیان از کلمهٴ رحمن در اهتزاز و شما در طین دور خراطین مجتمع و به قال و یقول عمر را تلف نموده و خواهید نمود لعمر اللّه از سراب ممنوع مشاهده میشوید تا چه رسد ببحر معانی ای بی‌انصافان ببصر اطهر بمنظر اکبر توجّه نمائید و براستی تکلّم کنید امروز روز مکاشفه و شهود است نه یوم اوهام و ظنون قسم باسم اعظم که عالم معانی و بیان و اهل جنان از ظلم شما بنوحه و ندبه مشغول ان استمعوا ندائی و توبوا الی اللّه لعلّ یکفّر عنکم سیّئاتکم و یقرّبکم الی مقام ینطق فیه لسان العظمة انّه لا اله الّا انا المهیمن القیّوم انتهی

 اگرچه بیانات مالک اسماء زیاده بر این بود که ذکر شد ولکن این عبد بقدری که مقتضای مقام بود و مصلحت این ایّام ذکر نمود که شاید نفوس مرده بنفحهٴ بیان رحمانیّه بطراز زندگانی مزیّن شوند و از تقلید و تقیید و ظنون و اوهام فارغ و آزاد مشاهده گردند انّه یهدی من یشآء الی صراطه المستقیم

 و اینکه در بارهٴ جناب آقا محمّد جواد والد سمیّ حضرت مقصود و استدعایشان و جناب آقا محمّد حسن ع‌ط و همچنین در بارهٴ جناب ملّا ابراهیم علیهم بهآء اللّه ذکر نموده بودید در ساحت اقدس مطالب و عرایض عرض شد مخصوص هر یک آیات بدیعهٴ منیعه نازل و در مکتوب بآن جناب که از قبل ارسال شده ارسال شد انشآءاللّه بآن فائز شده‌اید و نفوس مذکوره را فائز نموده‌اید و آن مکتوب تا حال جوابش نرسید به مدینهٴ کبیره ارسال شده بود تا نزد آن جناب ارسال دارند

 در این حین حسب الأمر بساحت اقدس مشرّف و فائز فرمودند یا عبد حاضر اراده آنکه احبّای یاء و الف و راء را ذکر نمائیم که شاید بر صراط الهی مستقیم مانند و از هبوب اریاح منتنهٴ انفس غافله محفوظ قوله جلّ کبریائه

هو الظّاهر من افق السّجن

یا احبّائی فی الیآء یذکرکم المظلوم فی سجن عکّآء و یوصیکم بالاستقامه الکبری علی هذا الأمر الّذی به انشقّت الأرض و نسفت الجبال ایّاکم ان تمنعکم سبحات الجلال عن مقام القرب و القدس و الجمال قوموا باسم ربّکم مالک الأسمآء علی شأن لا تخوّفکم زماجیر الرّجال انّه ذکرکم من قبل بما انار به افق البرهان و یذکّرکم بآیات اذا نزّلت خضعت لها الأعناق ان انظروا ثمّ اذکروا القرون الخالیة و الأعصار الماضیة و ما ورد فیها علی مشارق الوحی من الّذین کفروا باللّه ربّ الأرباب ایّاکم ان تحجبکم شؤونات الجهلآء عن هذا الأمر الّذی به شهدت الذّرّات انّه لا اله الّا هو العزیز الوهّاب ان استعدّوا یا قوم لاصغآء صریر قلمی الأعلی الّذی ارتفع فی السّجن بأمر ربّکم مالک الأسمآء الّذی به دلع دیک العرش و هدرت حمامة العرفان علی الأغصان تاللّه هذا یوم لا یذکر فیه الّا اللّه وحده یشهد بذلک کتب اللّه و ما انزله الرّحمن فی البیان هذا یوم اخبرناکم به من قبل اذ کان نیّر الأمر مشرقاً من افق العراق قد ظهر ما وعدناکم به فی هناک انّ ربّکم الرّحمن لهو العزیز العلّام ضعوا یا قوم ما عندکم و خذوا ما نزّل لکم من سمآء مشیّة ربّکم مالک الأدیان کذلک اشرقت من افق سمآء الحجّة شمس ذکر ربّکم منزل الآیات ای اهل یاء ندای مظلوم آفاق را بگوش جان اصغا نمائید که شاید اشارات ملحدین و شبهات مغلّین شما را از مالک یوم مبین محروم ننماید امروز سیّد ایّامست و جمیع قرون و اعصار طائف حول او قدر این روز امنع اقدس مبارک را بدانید و به ما یرتفع به امر اللّه عمل نمائید جهد کنید تا بمثابهٴ اوراق خریف دیده نشوید چه که بیک هبوب ساقط مشاهده میشوند باید در سبیل محبّت الهی بمثابهٴ جبل ثابت و راسخ ملاحظه گردید امروز نسمة اللّه در مرور و روح اللّه در بیدای امر بلبّیک ناطق قدر خود را بدانید و مقام خود را بشناسید و بمکر و حیل خادعین سبیل مستقیم را از دست مدهید لآلی محبّت رحمن را باسمش در کنائز جان محفوظ دارید امروز روز ذکر و ثناست و امروز روز عمل و انقطاع مشاهده در اوراق اشجار نمائید که نزد هبوب اریاح چگونه خاضع و خاشع و با تسلیم مشاهده میشوند اگر از جنوب در هبوبست بآن جهت مایل و کذلک بجهات اخری انسان نباید کمتر از اوراق مشاهده شود انشآءاللّه باید کل نزد هبوب اریاح مشیّت الهی بکمال تسلیم و رضا ظاهر شوند یعنی بارادهٴ او حرکت نمایند و بمشیّت او ناطق و ذاکر و عامل از حقّ بطلبید تا شما را مؤیّد فرماید بر استقامت کبری بشأنی که ندای غیر حقّ را از نعیق و نعیب شمرید یا اباالحسن ان استمع ندآء مالک السّرّ و العلن انّه یذکرک فضلاً من عنده انّ ربّک لهو الفضّال الکریم

 انّا نذکر الأحبّآء فی الألف و الرّآء و نبشّرهم بما تحرّک علی ذکرهم قلمی الأعلی فی سجن عکّآء انّ ربّک لهو الغفور الرّحیم قل انّا نوصیکم بالأمانة و الصّداقة و ما یرتفع به امر اللّه فیما سواه ان اعملوا و لا تکونوا من الغافلین ایّاکم ان تمنعکم زخارف الدّنیا عن مالک الوری دعوا ما فیها ثمّ اقبلوا بوجوه نورآء الی الأفق الأعلی المقام الّذی ینطق فیه فاطر السّمآء انّه لا اله الّا انا العلیم الحکیم قل هذا یوم فیه انجذبت الأشیآء من عرف قمیص ربّکم الأبهی و انتم من النّائمین قل تاللّه قد قام اهل القبور من نسمات الوحی و انتم من السّاکنین و نطق لسان العظمة فی ملکوت البیان و انتم من الصّامتین قل قد قصد کلّ ذی قلب الی الغایة القصوی و انتم من الرّاقدین قل قوموا باسمی علی امری و تمسّکوا بحبل التّبلیغ هذا امر اللّه من قبل و من بعد ان انتم من العارفین قولوا

 یا من فی فراقک ارتفع حنین المقرّبین و نوح المخلصین اسألک بصراطک المستقیم و اسمک الأعظم العظیم بأن تؤیّدنا علی الاستقامة علی امرک و توفّقنا علی ما تحبّ و ترضی ای ربّ نحن عبادک و ارقّائک اسألک بنفحات وحیک فی ایّامک و فوحات قمیصک عند اشراق انوار وجهک بأن تکتب لنا من قلمک الأعلی ما یحفظنا عن اشارات الّذین کفروا بآیاتک و اعرضوا عن سلطانک و شبهات کلّ منکر جادل بآیاتک و انکر برهانک انّک انت الّذی لا تعجزک شؤونات الخلق تفعل ما تشآء و تحکم ما ترید و فی قبضتک ملکوت ملک السّموات و الأرضین

 ای اهل دیار الهی انشآءاللّه ثابت و مستقیم باشید شما از عناصر قویّهٴ قدیرهٴ غالبهٴ مهیمنهٴ محیطه ظاهر شده‌اید این مقام بلند اعلی را از دست مدهید بحبل قدرت متمسّک باشید و بذیل عنایت متشبّث امروز باید شأن هر صاحب وجودی ظاهر و هویدا گردد چه که امروز روز حشر اکبر است و نشر اعظم هر مکنونی بشهود آید و هر مستوری واضح و آشکار گردد امروز آن روزیست که لسان رحمن در فرقان از آن خبر داده یا بنیّ انّها ان تک مثقال ذرّة من خردل فتکن فی صخرة او فی السّموات او فی الأرض یأت بها اللّه جهد نمائید تا اعمال طیّبه و اخلاق مرضیّه و استقامت کامله در امر مالک بریّه از شما ظاهر شود انشآءاللّه بقسمی بر امر اللّه ثابت و راسخ و مستقیم مشاهده شوید که جمیع عالم قادر بر منع نباشند و خود را عاجز مشاهده نمایند اینست نصیحت مظلوم و وصیّت او انشآءاللّه بآن فائز شوید و عامل گردید چه که امروز روز عمل خالص است لوجه اللّه ربّ العالمین الحمد للّه العزیز الأمین انتهی

 ذکر جناب آقا محمّد حسین ن‌وّ علیه بهآء اللّه نموده بودید عریضهٴ ایشان چندی قبل بساحت اقدس فائز و همچنین مکتوبی باین عبد فانی مرقوم داشتند انشآءاللّه لم‌یزل و لایزال بخدمت امر مشغول باشند فی‌الحقیقه نفحات محبّت الهی از ایشان استشمام میشود از قول این فانی تکبیر خدمت ایشان برسانید و بعنایت حقّ بشارت دهید این خادم فانی از حقّ سائل که ایشان را در کلّ احوال مؤیّد فرماید بشأنی که به ما ینبغی لأیّام اللّه قیام نمایند و در اسباب هدایت خلق جهد بلیغ مبذول دارند اینست آن شأن و مقامی که فنا آن را اخذ ننماید و حوادث زمان آن را تغییر ندهد نعیماً له و هنیئاً له از کثرت تحریرات این کرّه فرصت نشد خدمت ایشان مراتب خلوص در مکتوب علیحده ارسال شود چه که نامهٴ آن جناب رسید و بکمال تعجیل این جواب اظهار رفت انشآءاللّه در همین چند روز جواب دستخطّ ایشان که بتوسّط جناب شیخ س رسید ارسال میگردد

 ذکر جناب آقا محمّد علی و اخوی ایشان آقا محمّد حسین و ابن عمّشان عبّاسقلی نموده بودید ذکرشان در ساحت اقدس عرض شد و این کلمات عالیات از سماء مشیّت منزل آیات نازل قوله تعالی یا اباالحسن هر یک را از قبل حقّ تکبیر برسان و باستقامت کبری وصیّت نما الحمد للّه بذکر قلم اعلی فائز شدند و این مقامیست که بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده خواهد ماند انشآءاللّه مؤیّد شوند بر اموری که سبب ارتفاع امر اللّه است بگو امروز دو ندا مرتفع محبوب امکان بأعلی النّدآء عباد را بافق اعلی دعوت میفرماید و همچنین مطلع اوهام باسم حقّ خلق را اغوا مینماید انشآءاللّه بحقّ ناظر باشید و بحبل امرش متمسّک و بذیل عنایتش متشبّث هر عملی که امروز از اولیای الهی ظاهر شود از اعظم اعمال لدی الغنیّ المتعال مذکور است طوبی للّذین وفوا بعهد اللّه و میثاقه و ویل للّذین نبذوا العهد و نکصوا علی اعقابهم الا انّهم من الهالکین انتهی از جانب این عبد فانی هم خدمت هر یک تکبیر برسانید انشآءاللّه مؤیّد شوند بر آنچه رضای الهی در اوست نقطهٴ اولی روح ما سواه فداه میفرماید که جمیع از برای آنست که بکلمهٴ رضا از نزد او فائز شوند حال الحمد للّه نفوس مذکوره بذکر الهی فائز گشتند و بانوار عنایتش منیر این فضلی است بزرگ و عنایتی است کبیر یشهد بذلک کلّ بصیر خبیر

 و همچنین ذکر اهل میلان نموده بودید در بارهٴ ایشان الواح متعدّده از سماء مشیّت نازل و از قبل ارسال شد و در این حین هم در ساحت اقدس عرض شد این بیان از ملکوت عرفان ظاهر قوله عزّ کبریائه یا اباالحسن طوبی لک بما ذکرت احبّائی و ارسلت اسمائهم الی سجنی بشّرهم بفضلی و عنایتی و رحمتی الّتی سبقت الوجود یا اهل میلان یذکرکم ربّکم الرّحمن من هذا المقام المرفوع طوبی لکم بما شربتم رحیقی المختوم باسمی القیّوم و فزتم بهذا الأمر الّذی انکره علمآء الأرض الّا من شآء اللّه ربّ ما کان و ما یکون انّا ذکرناکم من قبل و فی هذا الحین الّذی یمشی المظلوم فی سجنه الممنوع کم من عارف منعه العرفان عن الرّحمن و کم من صبیّ اقبل و فاز بهذا الأمر المحتوم طوبی لعبد فاز بالاستقامة الکبری علی امر اللّه مالک الوری و ویل لمن اعرض و اتّبع کلّ عالم محجوب ان افرحوا بما ذکرتم من قلمی الأعلی فی هذا الفجر الّذی ینطق فیه لسان اللّه مالک الأسمآء قد اتی المیقات و ظهر منزل الآیات بلوح محفوظ انشآءاللّه از اصغاء ندای الهی کل مشتعل شوند و بحرارت کلمهٴ علیا سرگرم شده در انجمن عالم بذکر اسم اعظم ناطق گردند بگو قدر این یوم عزیز را بدانید و به ما امرتم به فی الکتاب عمل نمائید قسم بآفتاب افق امر هر نفسی الیوم بعرفان حقّ فائز شد او از مقرّبین در کتاب مبین مذکور و مسطور است باید کل باعمال خالصه و اخلاق مرضیّه و آداب حسنه مابین عباد ظاهر شوند بگو ای دوستان حقّ از برای وداد و اتّحاد آمده نه از برای ضغینه و عناد کل در ظلّ سدرهٴ منتهی یعنی کلمهٴ علیا جمع شوید و بذکر و ثنای حقّ جلّ جلاله مشغول گردید و از کئوس حمرا کوثر اصفی را باسم مالک اسماء بنوشید امروز روز فرح اعظم است بلکه فرح اعظم طائف حول این فرح بوده و خواهد بود بیاد دوست یکتا مسرور باشید و در جنّات محبّتش سائر طوبی لکم ثمّ طوبی لکم نوصیکم فی آخر البیان بالاستقامة علی امر ربّکم مالک الأدیان البهآء المشرق من الأفق الأعلی علیکم و علی الّذین ما حرّکتهم قواصف الظّنون و لا عواصف الأوهام عن اللّه المهیمن القیّوم انتهی و همچنین این خادم فانی استدعا مینماید ذکر فنا و نیستی او را در انجمن دوستان الهی مذکور دارید حقّ عالم و گواهست که ذکرشان امام وجه و قلم بوده و انشآءاللّه خواهد بود

 و ذکر جناب سمیّ مقصود ابن مرحوم حاجی غلام حسین از ارض یاء در ساحت امنع اقدس عرض شد قوله تعالی

بسمنا الأقدس الأعظم

یا حسین قبل علی قد حضر لدی المظلوم کتاب من الّذی سمّی بأبی‌الحسن فی کتاب الأسمآء و فیه ذکرک ذکرناک فضلاً من عندنا انّ ربّک لهو الحقّ علّام الغیوب ان افرح بهذا الذّکر الّذی اذا نزل من سمآء مشیّة ربّک انجذبت الأشیآء و نادت الملک للّه المهیمن القیّوم تمسّک بحبل عنایة ربّک و قل

 یا من بک نصب الصّراط و وضع المیزان و باسمک سرت نسمة اللّه علی الامکان و یا من بندائک الأحلی انصعق من فی الأرض و السّمآء اسألک بالکلمة العلیا الّتی بها سخّرت مداین الغیب و الشّهود بأن تؤیّدنی علی ذکرک و خدمة امرک و توفّقنی علی الاستقامة الّتی ذکرتها فی اکثر الواحک و وصّیت بها خلقک و عبادک انّک انت المقتدر الّذی خضعت عند ظهورک مظاهر القدرة لا اله الّا انت الآمر المقتدر العلیم الحکیم انتهی

 عرض این فانی در این مقام معلوم و واضح است یعنی خدمت ایشان هم از این فانی مذکور دارید آنچه که سبب و علّت اشتعال نار محبّت است امید هست که کوثر حیوان را از آیات محبوب امکان بیاشامند و از عالم و عالمیان منقطع و فارغ شده بر امر الهی ثابت و راسخ و مستقیم مشاهده گردند الأمر بیده یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید

 و اینکه در بارهٴ اولیای الف و راء نوشته بودید چندی قبل مخصوص هر یک لوح امنع اقدس از سماء عنایت رحمانی نازل لو شآء اللّه و اراد بآن فائز خواهند شد ذکر جناب فتح‌اعظم علیه من کلّ بهآء ابهاه همیشه در ساحت اقدس بوده و هست قلم اعلی در بارهٴ او شهادت داده بآنچه ذکرش بدوام اسماء حسنی در ملکوت انشاء باقی و پاینده خواهد ماند این فقره هم در ساحت امنع اقدس عرض شد این کلمات عالیات از مطلع بیان رحمن مشرق و هویدا قوله تعالی

بسمه المقدّس عن الأذکار و الأمثال

یا اباالحسن قد حضر کتابک لدی المظلوم و فیه ذکر احبّائی الّذین اقبلوا الی افقی و طاروا فی هوائی و سمعوا ندائی الا انّهم من الفائزین انّا ذکرناهم من قبل بذکر وجد منه مظاهر الأسمآء عرف قمیص ربّهم الأبهی الّذی اتی من سمآء القضآء بسلطان غلب من فی السّموات و الأرضین ان یا قلم الأعلی ان اذکر من سمّی بالفتح‌الأعظم من لدن مالک القدم لیفرح بذکره کلّ ذی‌ همّ و یطیر باسمه کلّ منجمد و یسرع به کلّ متوقّف و ینطق به کلّ صامت منع عن هذا الذّکر الحکیم و نذکر اخاه الّذی اقبل الی الأفق الأعلی اذ اعرض عنه کلّ غافل بعید انّا نبشّره بفضل اللّه و رحمته و هذا الذّکر الّذی نطق به لسان المظلوم فی هذا السّجن العظیم کن کما کان اخوک کذلک یوصیک من عنده کتاب کریم قم علی الأمر بالاستقامة الکبری و ذکّر النّاس بهذا النّبإ الّذی کان مذکوراً فی کتب اللّه العلیّ العظیم و نذکر المحمّد فی هذا المقام الّذی کان مذکوراً لدی الوجه و فاز بعرفان اللّه فی ایّامه و نطق بثنائه الجمیل انّا نوصیه بحفظ ما اعطیناه و العمل بما انزله اللّه فی کتابه المبین و نذکر الحبیب الّذی اقبل الی الأفق الأعلی و شهد بما نطق به لسان العظمة فی هذا المقام المنیر و نذکر احبّائی فی هناک و ندعوهم الی مقام یطوفه الملأ الأعلی و الّذین اخذوا الکتاب بقوّة من لدن قویّ قدیر طوبی لکم یا احبّآء الرّحمن و نعیماً لکم یا اصفیائی انتم الّذین ما منعتکم الظّنون عن الاسم المکنون و لا حجّبتکم الأوهام عن هذا الیوم المنیر انتم الّذین سمعتم ندآء ربّکم و سرعتم الی البحر الأعظم و کنتم من الفائزین

 قلم اعلی دوستان آن ارض را ذکر مینماید و بآنچه سزاوار یوم الهی است امر میفرماید اوّل امر معرفت حقّ جلّ جلاله بوده و بعد استقامت بر این امر اعظم جمیع صحف و کتب و زبر الهی بعظمت این یوم گواهی داده طوبی از برای نفوسی که ضوضای مطالع ظنون و اوهام ایشان را از مالک انام منع ننمود امروز روز خدمت و ظهور استقامت است چه که طیور اوهام و طیور لیل در هوای ظلمانی طایرند و طالب جنس خود قلم اعلی از قبل باین امور اخبار فرموده ای دوستان بابصار حدیده در افق اعلی نظر نمائید و با رجل مستقیمه قیام کنید تا از اریاح خریف محفوظ مانید نفوسی که سالها از بیم جان خلف حجاب مستور بودند حال بکمال خدعه و مکر در اضلال نفوس مقبله مشغولند ای دوستان حقّ بکمال قدرت و قوّت بایستید و ناس را از مطالع ظنون و مشارق اوهام حفظ نمائید که شاید از انوار آفتاب حقیقت ظلمت اوهام رفع شود و صبح منیر یقین از افق اراده ظاهر گردد هر کلمه‌ئی را عرفی بوده و خواهد بود طوبی از برای نفوسی که بعرف فائز شدند و بمطلع آن پی‌بردند

 یا اله الأسمآء و فاطر السّمآء تسمع ضجیج البهآء و حنینه بما ورد علیه من طغاة خلقک و بغاة عبادک ای ربّ انّ الّذی ربّیته بأیادی الرّحمة و العنایة قد قام علی تضییع امرک و اضلال خلقک و بریّتک انت تعلم یا الهی بأنّی ما اردت فی الأرض الّا ما امرتنی به بأمرک و سلطانک ای ربّ ایّد عبادک علی عرفان مشرق آیاتک و مظهر بیّناتک ثمّ اشربهم کوثر الاستقامة بأیادی عطائک انّک انت المقتدر علی ما تشآء لا اله الّا انت العزیز الحکیم انتهی

 و مخصوص جناب رف و م‌ح و ‌ح‌ب الواح بدیعهٴ منیعه نازل و بجناب شیخ س داده شد که برساند انشآءاللّه بآن فائز شوند و از بحر معانی بیاشامند این عبد فانی اگرچه بعد از شموس مشرقهٴ کلمات الهیّه از افق بیان رحمن خود را لایق ذکر و ثنا خدمت دوستان الهی نمیداند ولکن نظر بآنکه جمیع بمحبّت و اتّحاد مأمورند لذا بقدر و اندازۀ خود اظهار فنا و نیستی خدمت اولیا و اصفیا را از وظیفۀ خود میشمارم در این صورت خدمت دوستان آن ارض یعنی نفوسی که از کوثر اطهر آشامیده‌اند و بمنظر اکبر ناظرند سلام و تکبیر میرسانم و عرض مینمایم انشآءاللّه در این ربیع روحانی از امطار رحمت رحمانی سرسبز و خرّم باشید و از ازهار و اوراد حدیقۀ معانی محسوب شوید بایادی همّت اذیال استقامت را اخذ نمائید که شاید از اریاح اشارات غافلین محفوظ مانید یسأل الخادم ربّه بأن یوفّقکم و یؤیّدکم علی ما یحبّ و یرضی انّه لبالمنظر الأعلی و السّلام علی من اتّبع الهدی

 و ذکر اهل مراغه نموده بودید یعنی از جناب آقا محمّد علی و جناب آقا میرزا عبدالحسین و جناب آقا عبدالصّمد و ابنشان و سایر دوستان علیهم بهآء اللّه انشآءاللّه کل از اشراقات انوار آفتاب معانی منوّر شوند و بذکر و ثنای محبوب ابدی مؤیّد گردند این فقره هم در منظر اکبر تلقاء وجه مالک قدر عرض شد این جواب از ملکوت بیان رحمن نازل قوله تعالی

هو المشرق من افق العالم بالاسم الأعظم

یا احبّائی فی مراغه ان استمعوا ندآء مالک الأحدیّة انّه یذکرکم کما ذکرکم من قبل فضلاً من عنده و هو الفضّال الکریم انّا انزلنا لکم الواحاً شتّی و ارسلناها الیکم امراً من لدنّا و انا الآمر المقتدر القدیر ان اقبلوا بکلّکم الی اللّه ثمّ اعملوا ما امرتم به من لدن حاکم خبیر هذا یوم فیه ینطق المیزان تاللّه قد اتی الرّحمن بأمر عظیم و فیه ینادی الطّور و یقول قد اتی یوم الظّهور الملک للّه المقتدر العزیز العظیم ان اشکروا من ایّدکم علی عرفان مطلع وحیه و مشرق عرفانه و عرّفکم هذا الصّراط المستقیم انّه هداکم الی الأفق الأعلی و اسمعکم ندائه الأحلی اذ کان مظلوماً بین ایدی الغافلین یا اهل مراغه از قبل بأحلی البیان ذکر شما از قلم اعلی جاری و ساری انشآءاللّه کل بآن فائز شوید و جهد نمائید تا فی‌الحقیقه بحلاوت بیان مرزوق گردید چه اگر نفسی بآن فائز شود اشارات اهل عالم و سبحات امم و الواح معرضین و السن مغلّین او را از محبوب من فی السّموات و الأرضین منع ننماید لعمر اللّه اگر نفسی این رحیق اطهر را که از ید قدرت مالک قدر گشوده شد بیاشامد خود را از عالم و عالمیان در سبیل محبوب امکان فارغ و آزاد مشاهده نماید بشأنی که مغلّین و معرضین و ملحدین و معتدین را معدوم صرف و مفقود بحت شمرد باستقامت تمام بر امر مالک انام قیام نمائید امروز روزیست که هر نفسی آنچه اراده نماید بآن فائز میشود چه که ابواب عنایت مفتوح است و بحر کرم در امواج و آفتاب جود در ظهور و اشراق و اگر در بعض امور ظهورات عنایت تأخیر شود این نظر بحکمت بالغۀ الهیّه بوده و خواهد بود نباید از آن محزون شد کذلک یعلّمکم الکتاب الأعظم بما انار به العالم انّ ربّکم الرّحمن لهو العزیز الودود انتهی

 اینکه در بارهٴ احبّای ارض قم ذکر نموده بودید لدی العرش معروض گشت اذاً نطق لسان العظمة بما انجذبت به قلوب العالم و انصعق الأمم الّا من شآء اللّه العلیّ العظیم قوله جلّ کبریائه یا اباالحسن انّا ذکرنا احبّائنا فی هناک و نزّلنا لمن سمّی بالرّضا ما انجذب به ملأ الانشآء و انزلنا لمن سمّی بالحسین ما فاح به عرف البیان فی الامکان تعالی الرّحمن مظهر هذا الأمر العظیم و ارسلنا الیهما من قبل ما تعطّرت به الآفاق ولکنّ القوم فی حجاب مبین انّک ان رأیتهما کبّر من قبل المظلوم علیهما و بشّرهما بعنایة اللّه ربّ العالمین قل طوبی لکما بما اقبلتما الی افق اعرض عنه کلّ جبّار عنید و کلّ عالم مریب قد شهد لکما قلمی الأعلی ان افرحا بهذا الفضل الأعظم و هذه الرّحمة الّتی سبقت من فی السّموات و الأرضین

 ای دوستان این مظلوم در این حین که آفتاب در وسط الزّوال است بشما توجّه نموده و شما را ذکر مینماید و وصیّت میکند بآنچه که سبب استقامت بر امر اللّه است چه که معتدین و مغلّین و شیاطین بکمال جهد در اضلال احبّای حقّ کوشیده و میکوشند بر حقّ جلّ جلاله بوده که اولیای خود را اخبار نماید لذا از قبل بظهور ناعقین و نعیب غافلین کل را آگاه نمودیم تا در این یوم بدیع باسم حقّ محفوظ مانند انشآءاللّه باید بشأنی بر امر اللّه ثابت و راسخ مشاهده شوند که احدی قادر بر تکلّم نباشد تا چه رسد بمنع کذلک نطق اللّسان فی ملکوت البیان طوبی لکلّ سامع و ویل للغافلین و آنچه در سبیل الهی از شما ظاهر شد لدی الحقّ واضح و هویداست انّه یقرّب الی من تقرّب الیه و یجزی من عمل فی سبیله احسن الجزآء انّه لهو الشّاهد البصیر العلیم انشآءاللّه از دشمنان حقّ و اشاراتشان محفوظ باشید یا اباالحسن بعضی از منتسبین هم در آن ارض ساکنند از قبل الواح بدیعۀ منیعه مخصوص ایشان نازل و ارسال شد انشآءالله بآن فائز شده‌اند و اگر در این کرّه ملاقات نمودید تکبیر بلیغ از قبل حقّ برسان و بگو انشآءالله بعنایت الهی فائز باشید و بامرش عامل مخصوص دو نفس مذکور هم حسین و رضا علیهما بهآء اللّه دو لوح امنع نازل و با حرف سین ارسال شد انشآءاللّه بآن فائز شوند العاقبة للمتّقین و الحمد للّه ربّ العالمین انتهی

 اینکه در بارهٴ ابناء جناب ملّا عبدالغفور از اقربای جناب ملّا رج علیه بهآء اللّه نوشته بودید در منظر اکبر عرض شد هذا ما انزله الوهّاب فی الجواب یا اباالحسن انّا ذکرنا من سمّی بملک حسین و نذکره فی هذا الحین الّذی یمشی المظلوم فی سجنه الأعظم و یشهد بما شهد به قبل وجود الکائنات انّه لا اله الّا هو الفرد الواحد العلیم الحکیم لعمر اللّه هذا یوم تزیّن بذکره کتب العالم و نطق بثنائه اهل الفردوس الأعلی و الّذین طافوا حول العرش امراً من لدی اللّه العلیم الخبیر هذا یوم فیه تضوّع عرف البیان ولکنّ القوم اکثرهم من الغافلین قد نبذوا الیقین عن ورائهم و اتّبعوا مطالع الأوهام کذلک سوّلت لهم انفسهم الا انّهم من الأخسرین فی کتاب اللّه ربّ العالمین یا ملک قبل حسین هل تسمع ندائی الأحلی من الأفق الأعلی ام تکون من الغافلین ان افتح بصرک باسم ربّک لتری الشّمس مشرقة من هذا الأفق المنیر لا تلتفت الی الّذین تراهم فی مریة عن امر ربّک توکّل فی کلّ الأمور علی اللّه النّاطق الخبیر ان یأتک احد بالقصص الأولی دعه عن ورائک مقبلاً الی مقام ینطق فیه لسان العظمة انّه لا اله الّا انا العزیز البدیع

 و نذکر من سمّی بمحمّد قبل باقر لیقرّبه ندآء الرّحمن الی ملکوت البیان و یؤیّده علی الاستقامة علی هذا الأمر الّذی به زلّت اقدام العارفین انّک اذا سمعت النّدآء من شطر البقعة النّورآء قل

 لک الحمد یا مالک الأسمآء و فاطر السّمآء بما عرّفتنی مشرق امرک و مطلع وحیک و هدیتنی الی صراطک المستقیم

 و نذکر من سمّی بعلی و نبشّره بهذا الذّکر الّذی لا تعادله خزائن الأرض کلّها و لا ما عند الملوک و السّلاطین یا علی یذکرک المظلوم اذ احاطته الأحزان من الّذین جادلوا بآیات الله و برهانه و اعرضوا عمّا امروا به فی کتب الله العزیز الحمید خذ رحیق الاستقامة باسم مالک الأحدیّة ثمّ اشرب منه مرّةً بذکری و اخری باسمی العزیز الحکیم

 یا رضا ان اقبل الی الأفق الأعلی تاللّه قد خلقت لهذا الیوم یشهد بذلک صحف اللّه من قبل و من بعد و عن ورائها هذا الذّکر الأمنع الأقدس العزیز العظیم قم علی خدمة امر ربّک مالک الوری بالاستقامة الکبری و قل

 لک الحمد یا من ذکرتنی بفضلک و ایّدتنی علی الاقبال الی بحر علمک و حکمتک اسألک بأن لا تخیّبنی عمّا قدّرته لأصفیائک الّذین نبذوا العالم فی حبّک و سبیلک و سرعوا الی مشهد الفنآء بذکرک و اسمک ای ربّ انت القویّ و تری الضّعیف متمسّکاً بحبل عنایتک فاکتب له ما ینبغی لعظمتک و اقتدارک لا اله الّا انت الغفور الرّحیم

 و نذکر فی هذا الحین من سمّی بالحسین لتجذبه نفحات الذّکر الی مقام تنطق فیه لسان اللّه المهیمن القیّوم یا حسین یذکرک الحسین الّذی قام علی الأمر فی ایّام فیها ارتعدت فرائص العالم من سطوة الأمرآء و اعراض العلمآء کذلک نطق مالک الأسمآء من الأفق الأعلی و القوم اکثرهم لا یفقهون قد انزلنا الآیات و اظهرنا البیّنات و اخبرنا الکلّ بما ظهر و یظهر فی الأرض یشهد بذلک من شهد بما شهد به اللّه قبل خلق السّموات و الأرض و قبل ذکر الکاف و النّون تمسّک بحبل الیقین معرضاً عن الّذین نراهم فی ریب عن هذا الأمر العزیز الممنوع انّه غفر اباکم فضلاً من عنده و هو العطوف الغفور

 یا حسن قلم اعلی بلسان پارسی تکلّم میفرماید که شاید کل به ما اراده اللّه فائز شوند بگو بشنوید ندای مظلوم را و بشبهات منکرین و معرضین از مالک یوم الدّین محروم نمانید امروز روز فزع اکبر است و همچنین فرح اعظم طوبی از برای نفسی که سبحات و حجبات و اشارات اهل ظنون او را از عرفان اسم ظاهر مکنون منع ننمود امروز مالک اسماء بایادی بیضا کوثر بقا عطا میفرماید تقرّبوا بحوله و خذوا باسمه ثمّ اشربوا منه بذکره الحکیم شیاطین در کمین بوده و هستند و همچنین ماکرین و خادعین بر مراصد منتظر که شاید نفسی را از حقّ منع نمایند و از فیوضات فیّاض حقیقی محروم سازند جهد نمائید تا کاسر اصنام اوهام شوید آنچه در ارض ظاهر شده و بشود از قبل از قلم اعلی جاری شده بگو ای عباد در الواح ملوک نظر کنید و در لوح رئیس تفکّر نمائید که شاید بانصاف تکلّم کنید و در عرصهٴ عدل قدم گذارید امر اعظم از آنست که باقوال سخیفهٴ نالایقه مستور ماند اتّقوا اللّه یا قوم و لا تتّبعوا اهوآء الّذین کفروا بالرّحمن اذ اتی بالبرهان کذلک یذکّرکم من عنده کتاب عظیم

 و نذکر فی هذا المقام امائی اللّائی آمنّ باللّه ربّ العالمین و نبشّرهنّ بعنایة اللّه و فضله الّذی احاط من فی السّموات و الأرضین ای کنیزان حقّ انشآءاللّه از شبهات و اشارات خلق مقدّس و منزّه مشاهده شوید و در کلّ احوال بغنیّ متعال متمسّک این ایّامی است که حقّ جلّ جلاله بکل متوجّه و کل را بطراز ذکر مزیّن فرموده عیسی بن مریم که بیک کلمهٴ مبارکه که از مطلع بیان الهیّه اصغا نمود بنار محبّت مشتعل شد اشتعالی که میاه عالم او را منع ننمود و مخمود نساخت و آن کلمه این بود که فرمود ای بندهٴ من و فرزند کنیز من و حال فضل بمقامی رسیده که مکلّم طور از مقرّ عرش ظهور ذکور و اناث و صغیر و کبیر را ببدایع اذکار خود ذکر میفرماید اگر نفسی فی‌الحقیقه در این کلمهٴ مبارکه تفکّر نماید تمام عمر به لک الحمد یا اله العالمین ناطق شود از حقّ بخواهید آذان را باذکار مغلّین و معتدین و خائنین نیالاید و ابصار را باشارات منکرین از مشاهدهٴ انوار منع نفرماید تا جوهر بیان را اصغا نمایند و جوهر نور را ادراک کنند آیا سامع منصفی در عالم هست تا بشنود و بحقّ ناطق شود و آیا بصیر عادلی یافت میشود تا حقّ را مشاهده نماید و به ما شهد به اللّه شهادت دهد کذلک نطق اللّسان فی بحبوحة الأحزان بما اکتسبت ایادی الّذین نبذوا الههم و اخذوا الأصنام لأنفسهم اولیآء من دون اللّه المقتدر القدیر البهآء المشرق من افق البقآء علی الّذین توجّهوا الی المنظر الأکبر بالبصر الأطهر و علی الامآء اللّائی سمعن النّدآء و اقبلن الی اللّه مالک الأسمآء فی هذا الیوم العزیز المنیع انتهی الحمد للّه جمیع نفوس مذکوره بآیات الهیّه فائز شدند و در بارهٴ هر یک بحر بیان موّاج انشآءاللّه بآنچه سزاوار این عنایت کبری است قیام نمایند و به ما اراده اللّه فائز شوند این عبد فانی در هر حین از حقّ سائل و آمل است که نفوس را بر عرفان این فضل اعظم که عالم را احاطه نموده مؤیّد فرماید انّه لهو المقتدر المتعالی العلیم الحکیم

 و دیگر ذکر جناب حاجی محمّد رضا علیه بهآء اللّه را نمودید بعد از عرض در ساحت اقدس این کلمات مشرقات از مصدر امر ظاهر و مشرق قوله جلّ اجلاله

بسمه المقدّس عمّا کان و ما یکون

یا محمّد قبل رضا تاللّه الحقّ قد ظهر الوعد و اتی الموعود و ینطق فی قطب العالم انّه لا اله الّا انا المهیمن القیّوم قد خلقت الخلق لهذا الیوم و بشّرتهم بهذا الظّهور الّذی فیه نطقت الحصاة الملک لمنزل الآیات و هدر العندلیب علی الأغصان العظمة للّه ربّ ما کان و ما یکون من النّاس من جادل بآیات اللّه و انکر برهانه و منهم من افتری علیه من دون بیّنة و لا کتاب معلوم و منهم من افتی علیه کذلک نطق لسان الوحی اذ کان فی هذا السّجن الممنوع کم من عالم منع عن المعلوم بما اتّبع الظّنون و کم من امّیّ سرع و فاز برحیقی المختوم هذا یوم فیه ینطق لسان الظّهور و ظهر ما اخبر به اللّه بلسان الرّسول یوم یقوم النّاس لربّ الغیب و الشّهود دع الأذکار کلّها و تمسّک بهذا الذّکر العزیز المحبوب قل

 یا الهی اسألک بمسخّر آیاتک و ظهورات قدرتک فی ملکوت الانشآء و بأسمائک الحسنی و صفاتک العلیا بأن تجعلنی مستقیماً علی هذا الأمر الّذی به انشقّت الأرض و نسفت الجبال لا اله الّا انت الغنیّ المتعال ای ربّ ترانی معرضاً عن دونک و مقبلاً الی کعبة ظهورک اسألک بأن لا تمنعنی عن بدایع جودک ثمّ اکتب لی من قلمک ما ینفعنی فی کلّ عالم من عوالمک انّک انت المقتدر علی ما تشآء و بیدک زمام الأسمآء لا اله الّا انت الغفور الکریم

 کبّر من قبلی علی وجوه الّذین نسبهم اللّه الیک لتجذبهم نفحات التّکبیر الی اللّه الفرد الخبیر قل یا قوم تاللّه قد اتی الیوم و القیّوم ینادی بهذا الاسم الّذی به سخّر اللّه ما کان و ما یکون قل ایّاکم ان تمنعکم سبحات المحتجبین عن اللّه ربّ العالمین دعوا ما عند النّاس و خذوا ما اوتیتم به من لدن فضّال قدیر کذلک اشرقت شمس البیان من افق لوح ربّکم الرّحمن طوبی لمن اقبل و ویل للمعرضین انتهی قسم بآفتاب افق تقدیس که عنایت بمقامی رسیده که السن عالم از ذکرش عاجز و قاصر است ولکن یا حبیبی ناس نسناس موهومی را که اطّلاع از او نداشته و ندارند اخذ کرده‌اند و از دریاهای فضل الهی خود را محروم نموده‌اند در لیالی و ایّام از قادر علیم بکمال عجز و ابتهال بطلبید تا این نفوس را مجدّداً بظنون و اوهام مبتلا ننماید در کلّ حین رایحهٴ دفرا در حرکت و مرور بشأنی که قلم رغبت بذکرش ننموده و ننماید یسأل الخادم ربّه بأن یحفظ عباده عن جنود النّاس و الهوی و یؤیّدهم علی ما یحبّ و یرضی هذا ما ینفعهم فی الآخرة و الأولی و انّه لهو الشّاهد الخبیر

 و دیگر ذکر جناب ملّا عبدالغنیّ علیه بهآء اللّه را نموده بودید آنچه مرقوم داشتید در ساحت اقدس عرض شد هذا ما اشرق من افق عنایة ربّنا الرّحمن قوله جلّ کبریائه

بسمی المهیمن علی الأسمآء

یا عبدالغنیّ ان استمع ندائی من شطر سجنی لعمری لو تسمعه حقّ الاستماع انّه یجذبک الی مقام قدّسه اللّه عن ذکر الأوّلین و نبإ الآخرین ان استعدّ لاصغآء کلمات ربّک انّها نزلت علی شأن تضوّع منها عرف القمیص بین السّموات و الأرضین طوبی لسمیع ما منعته الأحزاب و لبصیر ما حجّبته السّبحات و لمقبل ما خوّفه اعراض المعرضین انّک اذا فزت بلوح اللّه و اثره ان اقبل بقلبک الی مطلع الأسمآء المقام الّذی اشرقت من افقه انوار وجه ربّک مولی الوری و قل

 لک الحمد یا محبوبی و لک الثّنآء یا مقصودی بما اسمعتنی ندائک اذ کنت غافلاً و جعلتنی مقبلاً اذ کنت غافلاً و انطقتنی اذ کنت صامتاً اشهد انّک انت المقتدر علی ما تشآء و فی قبضتک زمام الأشیآء لا اله الّا انت الغفور الکریم ای ربّ لمّا اسمعتنی ندائک لا تمنعنی عن فیوضات ایّامک طوبی لهوآء فاز بنفحاتک و لأرض تشرّفت بقدومک و لجبل مرّت علیه نسایم وحیک و لریاض تعطّر من اوراد حدائق عرفانک ای ربّ انا الفقیر المسکین و انت الغنیّ الکریم فانظرنی یا الهی بلحظات عنایتک ثمّ ارزقنی ما کتبته لأصفیائک الّذین نطقت بثنائهم کتبک و صحفک و الواحک ای ربّ ثبّتنی علی امرک و ایّدنی علی خدمتک و وفّقنی علی الاستقامة علی حبّک انّک انت الّذی شهدت الکائنات بقدرتک و اقتدارک و الممکنات بعظمتک و سلطانک لا اله الّا انت المتعالی الغفور الرّحیم انتهی

 فضل و عنایت و شفقت و رحمت حقّ جلّ شأنه و عظم کبریائه از آیات منزله از سماء احدیّه ظاهر و هویداست ای دوستان الهی قدر خود و این ایّام را بدانید که شاید از سهام شیاطین و اشارات مغلّین محفوظ مانید و آنچه آن جناب در مکتوب خود اظهار نمودند جمیع در ساحت امنع اقدس عرض شد و بکمال فضل و شفقت جواب هر یک نازل و ارسال شد تا جمیع از بحر فیض فیّاض حقیقی قسمت برند استدعا آنکه از جانب این خادم فانی خدمت اولیای الهی عرض تکبیر و ثنا و سلام برسانید انشآءاللّه کل به ما یحبّه اللّه قیام نمایند و بکمال روح و ریحان در تبلیغ امر محبوب عالمیان جهد بلیع مبذول دارند اینست وصیّت الهی از قبل و بعد از حقّ میطلبیم کل را بخدمت امرش موفّق فرماید بی عنایات او احدی قادر بر امری نبوده و نیست و اینکه این فانی را وکیل نمودید در زیارت حسب الخواهش آن جناب در این حین بساحت اقدس توجّه نموده بنیابت آن جناب عمل نمود آنچه مقصود عالمیانست هنیئاً لک و لی و بعد از حضور و عرض و زیارت لسان عظمت باین کلمات ناطق قوله جلّ کبریائه

 یا اباالحسن الحمد للّه بعنایات الهیّه مرّةً بعد مرّة فائز شدی و ذکر اولیای حقّ و دوستان او را نمودی نشهد انّک ذکرت اسمائهم و زرت من قبلهم و عرضت ما عملوا فی سبیل اللّه ربّ العالمین در فضل الهی تفکّر نما امری را که جمیع من علی الأرض بکمال شوق و اشتیاق طالب بودند فائز نشد باو مگر معدودی و تو از فضل و رحمت او بلقا فائز شدی و از کوثر وصال آشامیدی و یومش را ادراک نمودی و موفّق شدی بر ذکر احبّایش این مقامات هر یک بسیار بزرگ و بلند است جهد نما تا باسم حقّ و عنایت حقّ محفوظ ماند انّه لهو الحافظ العلیم الخبیر انتهی

 عرض فانی آنکه چند یوم قبل کلمه‌ئی از لسان مبارک اصغا شد که مشعر بود بر اضطراب بعض نفوس ضعیفه از شبهاتی که معرضین و مغلّین القا نموده‌اند شاید در اقربا هم فی‌الجمله اثر نموده باشد حسب الأمر باید آنچه بآن جناب ارسال شد و همچنین بجناب ورقا علیه بهآء اللّه الأبهی و بعضی اولیا در ارض طاء جمع شود تا دوستان الهی مشاهده نمایند انّه لهو الآمر الحکیم و اگر صورت آن بجناب ملّا رج علیه بهآء اللّه هم داده شود بسیار محبوبست البهآء علیک و علی من سمع نصح المولی و علی الّذین شربوا رحیق الاستقامه فی امر اللّه العزیز البدیع

خ‌ادم

فی ۱۴ شعبان سنة ١٢٩٨

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر